



پیش‌نشست
«مناسبات علم دینی
و برنامه‌ریزی
آموزش
و پرورش»







نقدای تحوّل | سال اول | شماره ۲ | مهر ماه ۱۳۹۹

پیش‌نشست
«مناسبات علم دینی
و برنامه درسی آموزش
و پرورش»

تهیه و تنظیم: اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مجتبی زند
عکس‌ها از: ابوالفضل بهرامی

تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش |
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی | کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ | نامبر: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir





پیش نشست

«مناسبات علم دینی»

و برنامه درسی

آموزش

و پرورش»



چهارمین پیش نشست از اولین کنفرانس مجازی بین‌المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علوم دینی» با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تحت عنوان «مناسبات علم دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش» یکشنبه ۱۳ مهرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد.

در این پیش نشست دکتر حسن ملکی استاد تمام دانشگاه علامه طباطبائی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر محمد فتحعلی‌خانی استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به بیان نظرات خود پرداختند. در ابتدا حجت الاسلام رضا مالایی دبیرعلمی این پیش نشست ضمن معرفی سخنرانان گفت: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه متناسب با نیاز علوم انسانی امروز کشور و فضای کشور به لحاظ شیوع

ویروس کرونا، قصد برگزاری کنفرانس مجازی "مناسبات علم دینی در علوم انسانی از گفتگو تا تاسیس" را در آبان ماه دارد. در همین راستا تا بحال چند پیش نشست برگزار شده و این چهارمین پیش نشست است. پیشنهاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه این بود که یک پیش نشست هم در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برگزار شود. وی ادامه داد: ما اکنون درگیر تدوین راهنماهای برنامه درسی هستیم که سیاست گذاری فکر و اندیشه در فضای آموزش و پرورش است و از سوی دیگر مقوله علم دینی مقوله ای است که در تمامی حوزه تربیت و یادگیری تاثیرگذار است؛ به همین منظور پیش نشستی را تحت عنوان "مناسبات دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش" با دعوت از سه استاد بزرگوار که دغدغه مند علم دینی بودند و آثار مهمی را منتشر کرده اند؛ تدارک دیدیم.

آغاز سخنرانی‌ها توسط دکتر ملکی

در ابتدا دکتر ملکی درباره‌ی مفهوم علم دینی چنین توضیح داد: راجع به علم دینی معانی و مصادیق مختلفی در منابع مختلف مطرح شده است. گاهی گفته شده علم دینی علمی است که با ایمان تلازم داشته باشد. تلازم بین ایمان و علم، شکل دهنده علم دینی است.

برخی دیگر معتقدند که علم دینی یک علم تأسیسی است و بر پایه‌ی پیش‌فرض‌های فلسفی و اعتقادی می‌توان علم دینی را پدید آورد.

برخی نیز اعتقاد دارند که علم دینی از ارائه فرضیه‌ها براساس ارزش‌ها و باورهای دینی و انجام یک کار تجربی بر روی آن فرضیه‌ها و رسیدن به مجموعه‌ای از گزاره‌ها پدید می‌آید و ما باید آن گزاره‌ها را علم دینی تلقی کنیم.

عده‌ای هم اعتقاد دارند که علم دینی همان تهذیب علم موجود است. یعنی اگر علمی که وجود دارد را مهذب کنیم و آن مواردی که با ارزش‌های دینی مغایر و متضاد است را پیرایش کنیم و بزدااییم، علم دینی به وجود می‌آید.



یک دیدگاه هم این است که علم دینی همان علم نافع است. یعنی اگر بتوانیم علم نافع را پیدا و مدون کنیم و بر پایه علم نافع، تعلیم و تعلم نافع را ارائه بدهیم، ما در مسیر علم دینی حرکت می‌کنیم. وی افزود: احتمالاً دیدگاه‌های متعدد دیگری هم در جغرافیای مفهومی علم دینی مطرح است، اما مطلبی که بنده می‌خواهم ارائه بدهم آن دیدگاهی است که می‌گوید علم دینی بر پایه علم نافع مطرح می‌شود. لذا اگر بخواهم عنوانی برای عرایض خودم مطرح کنم، آن عنوان "علم دینی و دلالت‌های آن بر برنامه‌های درسی" است. بیشتر مایل هستم در موقعیتی که در آن قرار داریم کمکی کنم. همکاران بنده با یک مدیریت جهادی مشغول تدوین برنامه‌های درسی تحولی هستند و شاید این عرایض بنده بتواند از این منظر به این کار مهم کمک کند.

علم نافع در قرآن

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره علم نافع عنوان کرد: نفع در لغت به معنای فایده، بهره و خیر است. یعنی وسیله‌ای که انسان را به مطلوبش برساند. در حقیقت در مقابل یک لغت دیگر به نام ضرر قرار می‌گیرد. این واژه و مشتقات آن حدود ۱۷ بار به اشکال گوناگون در قرآن کریم به کار رفته است

و ما نفع مادی، نفع معنوی و نفع آخرتی را در آیات متعدد قرآن ملاحظه می‌کنیم. بنابراین وقتی ما از نفع صحبت می‌کنیم باید توجه کنیم که نفع گستره‌ی وسیعی دارد. ما این جغرافیا را باید در کارمان مد نظر قرار بدهیم و احتمالاً در برنامه‌های درسی هم همین نگاه را باید داشته باشیم.

دسته بندی علوم نافع

دکتر ملکی در ادامه سه دسته از علوم نافع را برشمرد و گفت: علم نافع علمی است که در زندگی فردی و اجتماعی فایده و خیر داشته باشد و در نیل به هدف‌ها یاری رساند. در واقع علم نافع ما را باید در نیل به هدف‌ها یاری کند. حال براساس این که آن هدف چه باشد، طبیعتاً مصداق علم نافع هم متفاوت می‌شود. ما بر این اساس می‌توانیم سه دسته علوم نافع را نامگذاری و مطرح کنیم. یک سری علوم نافع دنیوی هستند که این علوم می‌توانند در بهره‌مندی افراد جامعه از دنیا مفید باشند. خیلی از علومی که ما یاد می‌گیریم از جمله علم پزشکی یا علم ژنتیک، علوم نافع در بهره‌مندی افراد جامعه از دنیا هستند. نوع علومی که ما آن‌ها را یاد می‌گیریم می‌توانند مصداقی از علوم نافع دنیوی باشند. رئیس سازمان پژوهش در تعریف علوم نافع اخروی بیان کرد:

این‌ها علومی هستند که در راستای تعالی معنوی و به کمال رسیدن افراد کمک می‌کنند و در حیات اخروی مفید واقع می‌شوند. این علوم عبارت است از اصول، اعتقادات و باورهایی که از طریق تعلیم و تربیت دینی به ما آموخته می‌شود و نوعاً هم مربوط به این می‌شود که ما طوری زندگی کنیم تا در عالم آخرت نزد خدا آبرو کسب کنیم. هر علمی که این اثر را داشته باشد علم نافع اخروی است.

وی افزود: علوم نافع در دنیا و آخرت سومین دسته است. این‌ها علومی هستند که در رفع نیازهای دنیوی با نیت خدمت به خلق خدا و رضای الهی تعلیم و تعلم می‌شوند. این‌جا دیگر بحث انگیزه مطرح می‌شود. یعنی ما در هر جایی که علم یاد می‌گیریم یا تعلیم و تعلم می‌کنیم، اگر با نیت خیر و با نیت رضای الهی و خدمت به خلق خدا باشد، این علوم می‌شوند علوم دنیوی اخروی. در دنیا انجام می‌شوند ولی چون با نیت خیر صورت می‌گیرند طبیعتاً به آن‌ها اخروی هم می‌توان گفت.

دکتر ملکی ادامه داد: بین این تقسیم‌بندی‌ها یک حالت اصطلاحاً بتن آرمه‌ای وجود ندارد. یعنی وقتی علوم نافع اخروی را یاد می‌گیریم، آن‌ها آثار دنیوی و مادی هم دارند ولی معطوف به حیات اخروی هستند و در آنجا برای ما مفید خواهند بود.

جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی عنوان کرد: رسول خدا (ص) می‌فرماید: "اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع". به عبارت "انی اعوذ بک" عنایت کنید. ما معمولاً از شر شیطان به خدا پناه می‌بریم، اما علم غیر نافع چه ضرری دارد که ما در این دعا از واژه‌ی اعوذ بک استفاده می‌کنیم؟ معلوم می‌شود علمی که نفعی ندارد می‌تواند خاستگاه یک سری برنامه‌های ابلیسی هم باشد به دلیل آنکه همچون ابلیس از شر آن به خداوند پناه می‌بریم. امام علی (ع) هم چنین بیانی در نهج البلاغه دارند که می‌فرمایند: لا خَیْرَ فِی عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ" (در علمی که نفعی ندارد خیر و فایده‌ای نیست).

دیدگاه صاحب‌نظران اسلامی نسبت به علم نافع

دکتر ملکی در ادامه چند دیدگاه از صاحب‌نظران اسلامی را نسبت به علم نافع مطرح کرد. وی اظهار داشت: حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند: "هر علمی نافع است ولی عظمت علم از معلوم مشخص می‌شود. علم اصول دین از برترین علوم است ولی وقتی کاملاً نافع است که همراه عمل



باشد. "ایشان تأکیدشان بر این است که علت اصول دین با آن عظمتش اگر همراه عمل نباشد از مصادیق علم نافع نیست. حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند: "دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع باشد، نه فقط برای حال کشور بلکه برای ۱۰ سال بعد یا ۲۰ سال بعد کشور. ممکن است ما در ۲۰ سال آینده یک نیازی داشته باشیم که از امروز تحقیقات آن باید شروع شود." شهید مطهری نیز می‌فرمایند: هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد و آن اثر را مفید و خوب بداند، آن علم مورد نظر و مورد توصیه و تشویق اسلام

است. "مرحوم علامه طباطبایی هم علم نافع را علمی می‌دانند که انسان را در مسیر کمال یاری کند.

علم نافع در سفر زندگی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی گفت: زندگی یک سفر است. از زمانی که ما در یک سنی قرار می‌گیریم و تکلیف الهی بر ما مترتب می‌شود و ما راه را آغاز می‌کنیم، یک مبدأ سفر داریم، یک راه سفر داریم و یک مقصد سفر داریم. در مبدأ سفر، خودشناسی، خدانشناسی، خلقت‌شناسی و دیگرشناسی و ارتباطات انسانی بسیار اهمیت دارد. در سنینی که دانش‌آموزان حضور دارند، خودشناسی تا یک حدی باید به آن‌ها آموخته شود و زمینه فراهم شود، چون تا خودشناسی نباشد نمی‌توانند این مسیر را بپیمایند. همچنین شناخت خدا، شناخت خلقت و شناخت انسان‌های دیگر هم اهمیت دارد.

دکتر ملکی ادامه داد: ما باید چه کار کنیم که در برنامه‌های درسی مان به خودشناسی کمک کنیم؟ استحضار دارید که در احادیث ما از معرفت نفس به عنوان "انفع المعارف" نام برده شده است، یعنی نافع‌ترین علوم معرفت به خود است. من مواردی که به این موضوع مربوط باشد را در کتاب‌های درسی، مخصوصاً در کتاب‌های معارف

اسلامی دیده‌ام، اما نکته این است که ما این موضوع را چگونه مطرح و سازماندهی کنیم که خودشناسی جای خودش را باز کند. در ارتباط با خداشناسی که همایش ما هم خیلی به آن ارتباط پیدا می‌کند، محتواهای ما باید خدا محور باشند. محتوای خدا محور هم محتوایی است که بتواند بر محوریت علم دینی مبتنی شود. وی افزود: ما در راه سفر وارد متن زندگی شده‌ایم. مرادم از راه سفر یعنی متن زندگی. در این راه که دانش‌آموز به‌عنوان یک شهروند موثر و مفید وارد زندگی شده است باید از جامعه اسلامی رفع موانع شود. حال این موانع کدام موانع است؟ ممکن است موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا جمعیت‌شناسی باشد. این مسئله‌ها باید در متن برنامه‌های درسی ما به نوعی درآمیخته شود.

دکتر ملکی خاطر نشان کرد: مسئله‌ی پیری جمعیت یک مثال عینی برای این موضوع است که اگر مراقب نباشیم به یک مانع تبدیل می‌شود. اعتقادات صحیح یک مسئله دیگر است. ما اعتقادات صحیح را از طریق دروس معارف اسلامی آموزش می‌دهیم، اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که ما این اعتقادات را چقدر، چگونه و از چه منبعی باید بهره‌برداری کنیم که این اعتقادات کمک کند تا دانش‌آموز به یقین دست پیدا کند؟ موضوع نیت خالص هم یک موضوع دیگر است. ما اعتقاد داریم

که اگر افراد دارای نیت خالص باشند، در زندگی دنیوی می‌توانند اصطلاحاً دنیوی اخروی زندگی کنند. ما باید به تزکیه نفس آن‌ها کمک کنیم، که در اینجا نقش معلم به‌عنوان فردی که برای تزکیه نفس از طریق برنامه‌های درسی زمینه‌سازی می‌کند مهم است. اگر ما این موضوعات را در طول سفر زندگی مد نظر قرار بدهیم و اصلاح کنیم، می‌توانیم به علم نافع دست پیدا کنیم. رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پایان صحبت‌های خود گفت: وقتی از علوم نافع و برنامه درسی حرف می‌زنیم باید بدانیم: (۱) علوم نافع مادی و برنامه درسی کدام علوم هستند؟ (۲) علوم آخرتی و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ (۳) علوم نافع در دنیا و آخرت و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ شاید نیاز باشد که دوستان در شوراهایی که تشریف دارند از این زاویه وارد شوند، مورد بحث قرار بدهند و ان شاءالله به جاهای شفاف‌تری برسند.

جمع بندی ابتدایی سخنان دکتر ملکی

در ادامه حجت الاسلام رضا ملائی، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی دیدگاه دکتر ملکی در رابطه با علم دینی را جمع‌بندی کرد. دبیر علمی این نشست گفت: دکتر ملکی برای علم دینی سه مشخصه

ذکر کردند. نخست این که علم دینی آن علمی است که در خدمت اهداف دینی قرار بگیرد، دوم آن که علم دینی باید متکی بر منابع دینی باشد و سوم این که علم دینی آن علمی است که پیش فرض‌های دینی را در علم دخالت بدهد.

رابطه نظری دین و علم

سپس دکتر محمد فتحعلی خانی استادیار پژوهشگاه حوزه سخنان خود را این گونه آغاز کرد: عنوان مطلبی که من تحلیل می‌کنم "بازتاب تعامل نظری و عملی دین و علم در آموزش و پرورش" است. یک تعامل متقابل بین علم و دین در حوزه نظر و حوزه عمل وجود دارد که اگر به آن توجه شود آموزش و پرورش جهت‌گیری و سمت و سوی متفاوتی را خواهد داشت.

وی افزود: من قبلاً درباره‌ی رابطه‌ی نظری علم و دین در یک همایش دیگری که به همت دوستان ما در آموزش و پرورش و با همراهی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انجام گرفت مطالبی را عرض کردم و مقاله‌ای را منتشر کردم که بیشتر ناظر به فرمایشات حضرت آیت‌الله جوادی آملی در موضوع علم دینی بود. آنچه مورد نظر بود این بود که بین معرفت دینی و معرفت عقلی و به طور خاص معرفت علمی، یک داد و ستد و رابطه متقابل وجود دارد.

دکتر فتحعلی خانی گفت: آنچه که من از "تعامل نظری علم و دین" تعبیر کرده‌ام این است که ما این دو و به طور خاص متون دینی را منبع معرفت‌زا می‌دانیم. این را براساس مبانی کلامی که داریم اثبات می‌کنیم. ما یک تلقی از وحی داریم و وحی را انتقال معرفت و معرفت‌زا می‌دانیم که اختصاص به پیامبر و معصومین (ع) دارد. بنابراین وحی موجب معرفت است، معرفتی که حیثیت حضوری دارد و مواجهه مستقیم با واقعیت است. این وحی وقتی در قالب گفتار و نوشتار درمی‌آید و از طریق متون دینی به مخاطبان دین منتقل می‌شود، از حوزه‌ی علم حضوری به حوزه‌ی علم حصولی منتقل می‌شود.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بیان کرد: بنابراین ما معتقدیم که متون دینی معرفت حصولی را در اختیار مخاطبان دین قرار می‌دهد، که البته باید با روش‌شناختی‌هایی که صورت می‌پذیرد و تحقیقاتی که در حوزه روش‌شناسی صورت می‌گیرد، روش تحصیل علم از طریق متون دینی را دریابیم. ما از آن طرف هم قائل به این هستیم که عقل علی‌الاصول قادر به معرفت نسبت به موضوعات است و می‌تواند موضوعاتی را که در قلمرو عقل قرار می‌گیرد را بکاود و درباره‌ی آن‌ها به داوری برسد. البته این داوری به شیوه‌ای روش‌مند و عقلانی صورت می‌گیرد. پس همه انسان‌ها دارای

قوای مشترکی هستند که اگر آن‌ها را به کار بگیرند و از اصول به کارگیری آن‌ها تبعیت کنند می‌توانند معرفت پیدا کنند. وی افزود: پس متون دینی از یک سو منبع معرفت است. قوای عقلی ما هم با روش‌های مختلفی که در علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و فلسفه وجود دارد به ما معرفت می‌دهند.

رفع تعارض بین علم و دین

محمد فتحعلی خانی خاطر نشان کرد: فراتر از همه‌ی این گونه‌های مختلف دانش، علم و معرفت؛ یک الزام عقلی وجود دارد که آن عبارت است از اینکه معرفت انسان‌ها با همدیگر باید در انسجام و سازگاری باشد. یعنی نمی‌شود شما یک روش را روش معرفت‌زا بدانید ولی نتایج آن با یک روش دیگری که آن را هم معرفت‌زا می‌دانید، در تعارض قرار بگیرد. بحثی که تحت عنوان تعارض علم و دین مطرح می‌شود هم در همین چارچوب است. یعنی اگر ما دین را معرفت‌زا می‌دانیم و عقل را هم معرفت‌زا می‌دانیم، قاعده‌تاً این دو نباید با هم در تعارض باشند.

وی افزود: اما اگر به موردی از تعارض برخورد کردیم؛ چه کنیم؟ در این جهت نظریات مختلفی پرداخته شده است. از جمله اینکه در قرون وسطی برخی قائل بر این بودند که هم آن‌چه که دین

می‌گوید در جایگاه خودش درست است و هم آن‌چه علم، عقل و فلسفه می‌گوید در جای خود پذیرفتنی است و واجب است که پذیرفته شود. این نظریه گرچه نظریه قابل اعتنایی نیست ولی در روزگاری طرفدارانی داشته است. به این نظریه می‌گفتند نظریه حقیقت دوگانه یا حقیقت مظاعف.

فتحعلی‌خانی اظهار داشت: برخی دیگر عقل‌گرایی افراطی را پیشنهاد می‌دهند. یعنی می‌گویند اگر تعارضی بین آموزه‌های برگرفته از متون دینی و آموزه‌های برگرفته از گونه‌های مختلف دانش برقرار شد، تعارض را این‌گونه رفع می‌کنیم که همیشه جانب عقل را مقدم می‌داریم. اگر این نظریه بخواهد پذیرفته شود یعنی دین همیشه ناگزیر است که تابع علم و فلسفه باشد. اما اگر ما وجوه دینی را معرفت‌زا بدانیم و روش‌های دریافت معرفت از متون دینی را به لحاظ فلسفی تثبیت کرده باشیم، این نظریه پذیرفتنی نیست. این‌ها هر دو در یک نقطه هستند و باید یکدیگر را تعدیل کنند؛ نمی‌شود که همیشه علم و فلسفه را مقدم بدانیم. وی گفت: کسانی هم هستند که از جانب مقابل به سمت تقریظ یا افراط دیگری رفته‌اند و بر این باور هستند که همیشه دین باید یافته‌های عقل را مدیریت کند. این هم پذیرفتنی نیست، چون فرض ما این است که عقل خودش مهمترین منبع معرفت است

و چنانچه که ما عقل را از حیثیت خودش تنزل بدهیم اساساً دست یافتن به دین و معارف دینی هم تعطیل می‌شود. ما با کمک و مدد عقل است که به دین و معارف دینی دست پیدا می‌کنیم و به آن‌ها ایمان می‌آوریم.

فتحعلی‌خانی با بیان این که سه نظریه یاد شده هیچ‌کدام قابل قبول نیستند و ما نظریه چهارم را باید بپذیریم، درباره‌ی این نظریه گفت: نظریه‌ی چهارم همان نظریه‌ای است که من از آن به نظریه تعامل معرفت علمی و معرفت دینی تعبیر کردم. به نظر می‌آید این نظریه معقول‌ترین دیدگاه در مباحث مربوط به تعارض علم و دین است. این نظریه می‌گوید که چنانچه علم و دین به یک معرفت واحد نرسیده باشند این دو باید با همدیگر مناسبات متقابلی را برقرار بکنند و همدیگر را تعدیل کنند و برای همگرا شدن به سمت معرفت واحد تشریک مساعی کنند. به این می‌گویند تعامل نظری علم و دین.

رابطه عملی بین علم و دین

محمد فتحعلی‌خانی پس از تشریح رابطه نظری علم و دین، بیان کرد: در مقام عمل هم بین علم و دین تعاملاتی وجود دارد. وقتی ما از عقلانیت نظری به عقلانیت عملی رجوع می‌کنیم به



یک معنا داریم پای هر جهان بینی و هر مجموعه ارزش شناختی را باز می‌کنیم که آن مجموعه به ما می‌گوید چه عمل‌هایی با چه اهدافی قابل پیگیری است. عمل همیشه هدفمند است و علم نافع‌ای که جناب استاد ملکی گفتند همیشه در همین جا وارد می‌شود. وقتی یک نظام ارزشی به ما ارزش‌هایی را می‌دهد در واقع سمت و سوی عمل ما را تعیین می‌کند و عقلانیت عمل ما از آن جهت رابطه عملی بین علم و دین را برقرار می‌کند، چون دین نظام ارزشی دارد.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: دین واجد جهان بینی است و مسئله مهم این است که جهان بینی‌ها دو کار

را انجام می‌دهند؛ یکی این‌که به ما راهنمایی می‌کنند تا علمی را سامان بدهیم و محقق کنیم که در پشت آن جهان‌بینی وجود داشته باشد و این علم متناسب با آن جهان‌بینی باشد و در عین حال همین جهان‌بینی و همین نظام ارزشی به ما سبک زندگی بدهد. این‌جا نقطه عملی بین علم و دین است، چون هر دوی این‌ها با تناسب جهان‌بینی‌هایی که در پشتوانه‌ی خودشان دارند به ما علم و سبک زندگی می‌دهند.

تقابل جهان‌بینی مادی با جهان‌بینی الهی

فتحعلی‌خانی عنوان کرد: اکنون که هم علم و هم جهان‌بینی برخاسته از دین این ویژگی را دارند که به ما انتقال جهان‌بینی، معنا و ارزش بدهند، چنانچه آموزش و پرورش بر اصلاح سبک زندگی متمرکز شود یک رقیبی برای آموزگار فراهم کرده است. در واقع آن‌که نظام جهان‌بینی و ارزشی خاصی را آموزش و انتقال می‌دهد در قبالش با تغییر سبک زندگی با یک آموزگار رقیب مواجه می‌شود. البته این ممکن است ما را به نوعی تقابل و تعارض رهنمون کند ولی توجه داشته باشید که در وضعیت کنونی آموزش و پرورش ما این تقابل وجود دارد و ما ناچار یک دوشخصیتی را داریم به دانش‌آموز

خودمان منتقل می‌کنیم. یعنی از طریق آموزش علوم به خصوص علوم پایه داریم جهان‌بینی مادی و تجربه‌گرا را منتقل می‌کنیم و از طریق تعلیمی که در دروس دینی و درس فارسی و ادبیات کلاسیک انتقال می‌دهیم هم یک جهان‌بینی متفاوت را عرضه می‌کنیم که جهان‌بینی الهی است.

وی افزود: این تقابل همین الآن هم وجود دارد، منتها از طریق دو تربیونی که یکی از آن‌ها دارد این جهان‌بینی را به صورت ناخودآگاه انتقال می‌دهد که همان آموزش‌های علوم پایه است و مؤثرتر است و دیگری به طور مستقیم گفت‌وگو می‌کند. در واقع این‌ها دو رقیب هستند که هر دو جهان‌بینی و نظام ارزشی خاصی را به صورت ناخودآگاه و به صورت ضمنی آموزش می‌دهند. این نوع تعلیم رسوخ بیشتری در اذهان دارد و منجر به این می‌شود که درون آن گیرنده واحد که دانش‌آموز یا دانشجو است به تدریج رابطه‌ی تعدیلی بین این دو جهان‌بینی برقرار شود. یعنی این‌ها یکدیگر را انتقاد کنند. انتقاد این جهان‌بینی نسبت به آن جهان‌بینی و انتقاد آن جهان‌بینی نسبت به این جهان‌بینی.

دکتر فتحعلی‌خانی در پایان سخنان تأکید کرد: اگر نقطه توجه آموزش‌ها و دروس ما به سمت تغییر و تصحیح سبک زندگی قرار بگیرد، امکان تعامل نظری و عملی بین معرفت دینی و معرفت

علمی برقرارتر خواهد شد و امید به همگرایی بیشتر فراهم می‌شود.

جمع‌بندی سخنان دکتر فتحعلی خانی

در ادامه حجت الاسلام ملائی گفت: دو نکته فوق‌العاده مهم در بیان فتحعلی‌خانی وجود داشت. نکته‌ی اول این است که علم دینی آن علمی است که محصول سازگاری فهم روش‌مند از دین و فهم روش‌مند تجربی یا فهم روش‌مند عقلی است. بنابراین در آن حوزه‌ای که تعارض بین فهم دینی با فهم عقلی یا فهم تجربی به وجود بیاید، باید به قاعده‌ای که این تعارض را حل خواهد کرد، رجوع کنیم.

دبیر علمی این نشست افزود: نکته دوم که اتفاقاً نکته بسیار مهمی هم هست این است که در ساحت آموزش و پرورش دو جهان‌بینی در حالت انتقال به یک گیرنده (دانش‌آموز) است. یک جهان‌بینی از طریق دروس تعلیمات دینی و دروس فارسی به تسریع انتقال داده می‌شود و یک جهان‌بینی هم از طریق دروس علوم پایه مثل علوم تجربی و ریاضیات به تلویح و به شکل پنهانی انتقال داده می‌شود. این دو جهان‌بینی که یکی از آن‌ها جهان‌بینی برآمده از تفکر مدرن و دیگری جهان‌بینی برآمده از تفکر دینی است در

گیرنده واحد ایجاد تعارض خواهد کرد و دانش‌آموز خودش را بین این دو جهان‌بینی دچار تعارض و ناسازگاری خواهد دید. باید برای این تدبیر اندیشید. طبیعتاً تدبیر این کار هم رفتن به سوی علم دینی در حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری است.

حجت‌الاسلام ملائی گفت: برداشت من از راه‌حل آقای دکتر فتحعلی‌خانی برای این که علم دینی بسط پیدا کند این است که سبک زندگی تغییر پیدا کند. یعنی به جای این که تغییر را از ناحیه علم شروع کنند و به سمت سبک زندگی بروند، تغییر را از ناحیه سبک زندگی شروع خواهند کرد تا یک بستری برای ظهور علم دینی به وجود بیاید.

شاخص علم نافع از نگاه دکتر پارسانیا

دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز گفت: جناب آقای دکتر ملکی شاخصی را برای علم دینی مطرح کردند که آن نافع بودن علم دینی است. به نظرم شاخص مهمی است، منتها این شاخص اگر بخواهد دنبال شود با دیگر شاخص‌هایی که نسبت به این موضوع بیان می‌شود ربط پیدا می‌کند. آنچنان که آقای دکتر فتحعلی‌خانی بیان کردند، قاعدتاً در نظام آموزش ما دو علم با دو نوع جهان‌بینی القای می‌شود.

یکی عیان و آشکار است و به بستر فرهنگی جامعه بازمی‌گردد که همان دروس مربوط به حوزه فرهنگی است و دیگری هم علوم پایه یا علوم اجتماعی است. این‌ها یک نوع جهان‌بینی را دارند القا می‌کنند که این مسئله خودش با مسئله‌ی نفع ربط پیدا می‌کند. یعنی جهان‌بینی که فقط دنیوی می‌بیند و این جهان را مستقل از جهان دیگر تفسیر می‌کند، با نفع به معنای دینی و معنوی ناسازگاری پیدا می‌کند. در واقع می‌خواهم بگویم که ما حتی معیار علم نافع را با معنایی که از نافع داریم بیان می‌کنیم. پارسانیا افزود: جناب آقای دکتر فتحعلی‌خانی فرمودند که از متون دینی هم نوعی بهره‌وری و استفاده داشته باشیم، اما خود همین مسئله هم ممکن است با معیار نفع و نافع بودن نوعی تداخل داشته باشد. گاهی شما علم را به گونه‌ای معنا می‌کنید که معرفتی که متون دینی القا می‌کنند را اصلاً معرفت علمی نمی‌دانید و استفاده و تعامل علم با متون دینی را نفی می‌کنید و یا چارچوب بسیار مقیدی را برای آن بیان می‌کنید که هویت دینی بودنش دیگر نقشی ندارد که بخواهد با علم ارتباطی داشته باشد. این مسئله ممکن است به حوزه‌ی فرهنگ آسیب برساند. یعنی شما بخواهید یک جامعه‌ای داشته باشید که نفع را نفع اخروی معنا کند و بگوید ما نافع اخروی هم داریم و بعد نظام علمی شما

بگویند اصلاً مفهوم اخروی یک مفهوم ایدئولوژیک است و اصلاً این‌ها مفاهیم علمی و واقع‌نما نیستند و این‌ها برساخت هستند و فقط یک نوع هویت فرهنگی دارند. در اینجا هم معیار نافع بودن با سایر معیارها تداخل پیدا می‌کند. بنابراین معیارهای مختلفی برای رابطه علم و دین مطرح می‌شود که اغلب این معیارها با همدیگر نوعی هماهنگی و تداخل هم دارند.

موضع‌گیری آموزش و پرورش نسبت به رابطه علم و دین

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیان کرد: بحث نسبت میان علم و دین محل گفت‌وگوهایی جدی در مباحث علمی و دینی است و حتی آن‌هایی که با ارتباط این دو مخالفت می‌کنند نوعی موافقت خودشان را دارند اظهار می‌کنند. یعنی دارند یک موضع خاصی را بیان می‌کنند. یعنی حتی اگر حوزه علم را کاملاً از حوزه دین منفک در نظر بگیرند و اجازه تعامل بین این دو را ندهند، آن‌ها هم به نوعی به رابطه خاص علم و دین معتقد هستند، منتها رابطه سلبی برقرار می‌کنند و اجازه نمی‌دهند رابطه ایجابی برقرار شود.

وی تأکید کرد: ما نسبت به رابطه‌ی علم و دین ناگزیر هستیم

که یک نوع موضع‌گیری داشته باشیم. نظام آموزشی ما نمی‌تواند نسبت به این مسئله بی‌توجه و خنثی باشد. این مباحث هر طرفش، طرف دارد و استدلالی دارد. یعنی در هر مبحثی ممکن است برخی با نظر شما مخالف باشند. بنابراین نظام آموزش و پرورش ما نمی‌تواند نسبت به این مسئله موضعی نداشته باشد و بگوید من بدون این موضع می‌خواهم برنامه آموزشی خودم را داشته باشم. نظام آموزش و پرورش باید یک موضع شفاف و روشن در این زمینه داشته باشد. در اسناد مربوط به تحول آموزش و پرورش و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش و نظام علمی نوعاً این موضع‌گیری بیان و اظهار می‌شود.

حمید پارسانیا اظهار داشت: مهم این است که ما در درون نظام آموزشی بدون مواضع نظری نمی‌توانیم وارد شویم و بعد باید اقدامات متناسب با آن مواضع نظری را سامان بدهیم. خلأیی که فکر می‌کنم در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش وجود دارد این است که این مواضع به صورت شفاف و گویا بیان نمی‌شود. عرض من این نیست که ما می‌توانیم یک نظریه‌ی خاصی را کاملاً مبنا قرار بدهیم و بگوییم یک حرفی را تا نهایت گفته‌ایم. ممکن است افراد یک نظر خاصی را داشته باشند و لوازم یک حرفی را تا آخر قبول کرده باشند که حتماً هم این گونه است، اما

این مسئله اگر بخواهد در یک برنامه درسی و یک نظام آموزشی و اجتماعی محقق شود نوعی اجماع می‌خواهد. یعنی مستلزم نوعی حرکت برای هماهنگ کردن، گفت‌وگو کردن و پیش رفتن در این زمینه است. لذا در درون آموزش و پرورش ما باید یک گفت‌وگوهای زنده و مستمر برای شفاف کردن این مسئله و به تصمیم رسیدن و اصلاح کردن تصمیم‌های قبلی و گام پیش گذاشتن نسبت به مسئله وجود داشته باشد. این یک نکته مهم است. فقط مسئله ما هم نیست و جهان مدرن به طور کلی به آن پرداخته است.

درک درست از تعریف علم و دین

پارسانیا ادامه داد: یکی از مسائلی که در تأثیرگذاری بین علم و دین و نسبت بین آن‌ها خودش را نشان می‌دهد و تعیین‌کننده است، تعریف خود علم و تعریف خود دین است. البته منظورم وضع اصطلاح نیست، بلکه منظورم فهم ما از حقیقت دین و علم و تصدیق این مسئله است. یعنی ببینیم دین چیست و چه چیزی را علم می‌بینیم. ما حقیقت دین و علم را درک کنیم بعد می‌توانیم وارد روابط میان آن‌ها شویم. من فکر می‌کنم نظام آموزشی ما اگر می‌خواهد برنامه‌ریزی درستی داشته باشد و ناآگاهانه وارد مسائل نشود باید اتخاذ موضع کند که چه چیزی را علم می‌داند

و برداشتش از دین چیست. بنابراین ما در قدم اول باید تعریف و حقیقت علم و دین را درک کنیم تا بعد در ذیل تعریفی که ما از علم می‌کنیم مسائل بعدی از جمله علوم شکل بگیرد.

تفاوت Science با humanities

دکتر پارسانیا در ادامه به تقسیم‌بندی علوم پرداخت و گفت: ما در کمتر از ۱۰۰ سال اخیر واژه علم را معادل Science قرار داده‌ایم. خود Science هم از نیمه دوم قرن ۱۹ به بعد یک مفهوم کاملاً جدید و خاصی پیدا کرده است و این مفهوم در کشورهای اسلامی هم بسط پیدا کرده و لغت علم را تصرف کرده است. از این رو الآن واژه‌ی علم در نظام آموزشی معادل Science در نظر گرفته می‌شود و به دنبال آن تقسیم‌بندی حوزه‌های آکادمیک و رسمی آموزش و پرورش و آموزش عالی ما متناسب تعریف Science تقسیم‌بندی می‌شوند.

وی افزود: یک حوزه‌ای از دانش‌های ما انسانیات (humanities) هستند. یعنی علم نیستند. هنر، کتاب دینی، حقوق و ادبیات فارسی humanities هستند. یعنی انسانیات هستند و انتقال فرهنگ را برعهده دارند. اگر با تقسیم‌بندی جهان مدرن همراه شویم حتی فلسفه و متافیزیک هم humanities هستند. لذا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ما humanities است. Science همان دانشکده علوم است که شامل علوم محض و دروسی نظیر زیست، فیزیک و ریاضی و همین‌طور علوم کاربردی هستند که دانشکده‌های فنی و مهندسی، داروسازی و پزشکی بیشتر جنبه‌های کاربردی دارند. یک حوزه دیگر Science هم داریم که Social science (علوم اجتماعی) است و حوزه‌های روان‌شناسی و مشابه آن را در بر می‌گیرد. این‌ها هم علم هستند. ویژگی علم این است که باید تجربی و آزمون‌پذیر باشد. تفاوت علوم اجتماعی با علوم طبیعی هم در این است که علوم اجتماعی موضوع‌شان انسانیت و متن حیات انسان‌ها است.

دکتر پارسانیا با اشاره به این که نظام علمی ما براساس این تقسیم‌بندی کار می‌کند، خاطر نشان کرد: این تقسیم‌بندی کاملاً مدرن است. یعنی در طول تاریخ یک چنین تقسیم‌بندی سابقه نداشته است. این تقسیم‌بندی همچنین متأثر از یک مبنای معرفت‌شناسی است. مفاهیم جدیدی است که فیلسوفان دو، سه سده آن‌ها را استحکام بخشیده‌اند. با یک مدل از زندگی و زیست در جهان مدرن هم ارتباط داشته است. این تقسیم‌بندی مبتنی بر یک تعریفی از علم و یک تعریفی از دین است. دین بخشی از فرهنگ و بخشی از humanities است.

جمع بندی سخنان دکتر پارسانیا

پارسانیا، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در جمع بندی سخنانش گفت: عرض بنده این است که ما چه تعریفی از علم و چه نوع تقسیم بندی از علوم داریم؟ این ها با چه هستی شناسی و چه نوع فرهنگی سازگار است؟ باید اتخاذ موضع بکنیم. البته توقع بنده این نیست که کاری که می خواهد یک برنامه ریزی گسترده اجتماعی باشد با نظر یک نفر انجام بگیرد، بلکه می گویم برای این مسائل باید در نظام آموزشی سهمی از گفت و گو، تعامل و خردورزی بین اندیشمندان وجود داشته باشد



و پرونده را نسبت به این مسائل بسته شده ندانیم و دائماً برای اصلاح این حوزه کار کنیم.

وی با تأکید بر این که ما نباید با مرجعیت مفاهیم مدرن به صورت چشم بسته و بدون گفت‌وگو و بدون تعاملات دقیق فلسفی برخورد کنیم، بیان کرد: احساسم این است که در برنامه‌های درسی ما خلأ شناسایی مفاهیم و اصول پایه وجود دارد. اگر برخی رشته‌ها و گرایش‌ها آگاهانه‌تر عمل می‌کنند این یک امر منسجم، سازمان‌یافته و فراگیر نیست و اساساً یک برنامه مشترک وجود ندارد. این یکی از آسیب‌های ما است و ما نیاز داریم که این کار انجام شود. بنده از حضور آقای دکتر ملکی در سمت رئیس سازمان پژوهش و توجهی که به این مسئله دارند بسیار خوشحال هستم و امیدوارم با همت ایشان و عزیزانی که در حوزه برنامه‌ریزی درسی فعالیت دارند، طرح کلان این مسئله با جدیت بیشتری ساماندهی پیدا کند و یک گفت‌وگوی مستمر در این حوزه شکل بگیرد. خود این نشست نشانه اهمیتی است که دوستان به مسئله می‌دهند.

رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی در پایان نشست درباره‌ی سخنان دکتر پارسانیا گفت: شاید واژه کلیدی ایشان توجه نظام آموزشی به مفهوم علم باشد و اینکه نظام آموزشی از یک تلقی در ارتباط با مفهوم علم

در حال تبعیت است، لکن وقتی قرار است برنامه‌ریزی کند و برای حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری، برنامه درسی بنویسد باید تلقی خودش را خیلی روشن و همراه با لوازم و پیامدهایش ارائه کند. شایان ذکر است این برنامه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به منظور توسعه علم دینی، جذب توانمندی‌های داخلی و خارجی در زمینه علم دینی، ایجاد فرصت گفتگو و تعامل بین اندیشمندان مختلف در حوزه روابط علم و دین و اشاعه علم دینی در حوزه علوم انسانی و با همکاری نهادها و سازمان‌های مختلف اقدام به برگزاری این کنفرانس کرده است.

نقش معرفت دینی در پارادایم‌های علوم انسانی (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی)؛ معرفت دینی و رشته‌های مختلف علوم انسانی (علوم انسانی محض و علوم انسانی کاربردی)؛ وضعیت‌شناسی مطالعات دین و علوم انسانی، مطالعات دین و علوم انسانی در ایران، مطالعات دین و علوم انسانی در جهان؛ معنویت دینی و علوم انسانی؛ محورهای اساسی این کنفرانس هستند.

شایان ذکر است حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی محمد حکیمیان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان رئیس و دکتر ابوالفضل گابینی به عنوان دبیر کنفرانس مجازی بین‌المللی

«نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علم دینی، فعالیت خواهند داشت. علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از طریق ایمیل rhc@rihu.ac.ir در ارتباط بوده و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۵۳۲۱۱۱۲۰۴ تماس حاصل فرمایند.



یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.





تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و
پرورش | سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی | کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ | شماره: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir